ادامه از صفحه اول

دو پوپولیسم

... و بدیهی است یکی از مطالبات «ممتاز» خواهد شد و دیگر تقاضاها را دربر خواهد گرفت: «بدین‌سان یک هویت مشخص از درون یک حوزه تفاوت‌ها برگزیده می‌شود و تجسم‌بخشیدن به این کارکردِ تمامیت‌بخش بدان واگذار می‌گردد».

این امر دقیقاً معنای ممتازبودن است. اگر مطالبات دموکراتیک هژمونیک می‌شد، می‌توانست قرین موفقیت شود اما مطالبات مردمی از جنس دیگری است. این مطالبات هر هژمونی موجودی را به چالش خواهد کشید. مطالبات دموکراتیک را دولت‌ها می‌توانند در کوتاه‌مدت استحاله داده و عناصر آن را جذب کنند، اما استحاله مطالبات مردمی کاری نشدنی و دشوار است و معمولا دولت‌ها به‌ندرت در برابر این جریان‌ها کوتاه خواهند آمد. هرچه هست این دو رویکرد پوپولیستی یکی در قامت دولتی و دیگری در قامت جزئی از کل، به شکست منتهی شده است. ازاین‌رو اینک پاسخ به این پرسش دشوار شده است؛ آیا در شرایط کنونی می‌توان از چیزی به نام مردم نام برد؟ اغراق نیست اگر بگوییم غیبت مردم در جامعه و سیاست به‌وضوح قابل رؤیت است و هر اقدام پوپولیستی، خاصه دولتیِ آن، در شکل‌دادن به مردم اثری نخواهد داشت.

*برای نوشتن این یادداشت از کتاب پوپولیسم (درباره عقل پوپولیستی)، نوشته ارنستو لاکلائو با ترجمه مراد فرهادپور و جواد گنجی، نشر مرکز، استفاده شده است.

واژه «راهبرد»، گسست معرفتی در معنای استراتژی

۲- ترجمه نادرست راهبرد، عمق و بار معنایی استراتژی را در فارسی نابود کرده است. هیچ دلیلی برای پیداکردن برابرواژه فارسی برای مفهومی مانند استراتژی وجود ندارد. علوم استراتژیک بخشی از دستاورد تمدّن بشری است. همان‌گونه که برخی اختراعات نیاز به ترجمه ندارند این دانش‌واژه نیز نه قابل ترجمه است نه نیازی به آن احساس می‌شود. در باب تأکید دوباره بر ناکارآمدی چنین اصطلاحاتی باید به عدم کارایی آن در واژه‌های تخصصی «ترکیبی» اشاره کرد. برای مثال اگر قرار باشد که «راهبرد» جایگزین استراتژی شود، معادل «ژئواستراتژی» چه خواهد بود؟

۳- هنگامی که کلمه «راهبرد» را می‌گوییم و از آن استراتژی را اراده می‌کنیم به‌تدریج عمق معنایی استراتژی با کلمه راهبرد عوض می‌شود و به‌جای استراتژی، سراغ «راهنمایی» یا در نهایت «فرماندهی» حرکت می‌کنیم. توصیه یا راهنمایی، پیشنهادی غیرالزام‌آور است اما استراتژی طرحی قاطع فارغ از ارزش داوری، ایدئولوژی یا هنجارهای احساسی و مبتنی بر واقعیت‌های زمینی (رئال‌پلیتیک) است. هنگامی که «راهبرد» را به جای استراتژی ادراک کنیم، دیگر خبری از «استراتژم» نیست و گویی پیرامون مفهوم دیگر صحبت می‌کنیم که به‌کل با استراتژی بیگانه است.

۴- همین انحراف در معنا موجب می‌شود ادراک درستی از برنامه‌ریزی رقبا و دشمن نیز نداشته باشیم و فراموش کنیم که آنها براساس «فریب و نیرنگ» و همچنین اصل غافل‌گیری که بخشی از ارکان استراتژی است طرح‌ریزی می‌کنند. اگر استراتژی را به معنای راهبرد بفهمیم، مفروض ذهنی ما این خواهد بود که سایر بازیگران صرفا به‌دنبال «چاره‌ای برای یافتن راه جدید» هستند، اما حقیقت این است که بازیگران سیاسی برای طرح‌ریزی استراتژیک تمام مفاهیم و حتی زیر و زبر علوم استراتژیک از جمله فریب، اصل غافل‌گیری، محیط، کُنش، سکون، موازنه، وحدت نیروها در زمان یا وحدت فرماندهی و... را در نظر می‌گیرند و صرفا به‌دنبال راه چاره یا برون‌رفت نیستند.

۵- هرگز به فکر کسانی مانند ریمون آرون و کلاوزویتس که مهم‌ترین کتاب‌ها را به زبان‌های فرانسوی و آلمانی درباره استراتژی تنظیم کرده‌اند، این ایده خطور نکرد که معادلی برای استراتژی در زبان خود پیدا کنند؟ کلاوزویتس سه جلد و ریمون آرون کتابی ۹۰۰ صفحه‌ای در باب استراتژی تألیف کرده‌اند و احتمالا خلق واژه به‌اصطلاح بومی برای آنها کار دشواری نبود؛ اما مشخص است که به دلایلی که پیش‌تر گفته شد هرگز نسبت به چنین کاری خطر نکردند. کتاب آرون هنوز به فارسی ترجمه نشده، ولی کتاب سه‌جلدی «درباره جنگ» کلاوزویتس توسط چند مترجم به فارسی برگردانیده شده و البته مترجمان به جای استراتژی از ترجمه راهبرد مکرر بهره برده‌اند. معلوم نیست با عزل نظر از عمق معنایی استراتژی و ریشه استراتژم چگونه می‌توان در باب آن صحبت کرد، اما به‌هرحال راهبرد چیزی نیست که سان تزو، کالینز، کلاوزویتس و سایر استراتژیست‌ها مد نظر داشتند. به جز زبان چینی و هندی در بقیه زبان‌های مهم دنیا از ژاپنی تا ایتالیایی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و آلمانی کلمه همان استراتژی رایج است. می‌توان گفت تا وقتی که استراتژی را به‌صورت راهبرد بفهمیم، امکان درک استراتژیک نخواهیم داشت و خللی اساسی در دریافت استراتژیکی ما حاصل خواهد شد. گسست معرفتی فعلی نه‌تنها دریافت را ما از خود با مشکل مواجه می‌کند، بلکه در درک ما از دیگران نیز رخنه‌ای اساسی ایجاد خواهد کرد و به‌طورکل تدوین استراتژی را غیرممکن می‌کند.

واکنش جبهه پایداری به ۲ گزارش روزنامه «شرق»

پیرو گزارش روزنامه «شرق» با عنوان «ریشه‌شناسی حملات اخیر به آیت‌الله صافی‌گلپایگانی، پیوند نانوشته در حمله به مرجعیت» که روز یکشنبه ۹ آبان و گزارش «جبهه پایداری بر سر موضع» که روز دوشنبه ۱۰ آبان در روزنامه «شرق» منتشر شد، جبهه پایداری توضیحی ارسال کرده که در ادامه می‌خوانید. لازم به ذکر است که گزارش روزنامه شرق مستند به گفته‌ها و گزارش‌هایی بوده که پیش‌تر در رسانه‌ها منتشر شده است؛ مانند بازنشر روایت یک مناظره، صحبت‌های علی مطهری به نقل از روانبخش، یکی از اعضای این جبهه و پاسخ نبویان، دیگر عضو این جبهه. همچنین واکنش یک مرجع تقلید به مبحث مطرح‌شده. مورد بعد هم درباره رابطه احمدی‌نژاد با مرجعیت، مستند به گزارشی بوده که پیش‌تر سایت اصولگرای «مشرق» منتشر کرده است. اینکه جبهه پایداری هم حامی احمدی نژاد بوده امری واضح و آشکار است که نیاز به ادعایی جدید ندارد. بخش اعظم توضیح مفصل جبهه پایداری بیش از آنکه در رد گزاره‌های گزارش باشد، بیانیه حزبی-سیاسی، تکرار اتهامات همیشگی در حمله به اصلاح‌طلبان و روزنامه شرق، طرح ادعاهایی بی‌ربط به گزارش و پیش‌کشیدن پای دولت روحانی و منسوبان آن است. به‌هرروی در ادامه جوابیه این طیف سیاسی را بی‌کم‌وکاست می‌خوانید.

جبهه پایداری انقلاب اسلامی ضمن گرامیداشت یوم‌الله مبارزه با استکبار و سقوط لانه شیطان در ایران به دست جوانان انقلابی پیرو خط امام، در پاسخ به درج مطالبی تحت عناوین «پیوند نانوشته در حمله به مرجعیت» در شماره ۴۲۳۱ روزنامه «شرق» به تاریخ یکشنبه ۹ آبان‌ماه ۱۴۰۰ و «جبهه پایداری بر سر موضع» در شماره ۴۱۳۲ این روزنامه به تاریخ دوشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۰، جهت تنویر افکار عمومی اقدام به صدور جوابیه ذیل می‌نماید؛ لذا انتظار می‌رود روزنامه «شرق» بر اساس ماده ۲۳ از قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نسبت به درج این جوابیه در همان صفحه و ستون در اولین شماره پس از دریافت جوابیه مبادرت ورزد.

این روزنامه به سیره سایر جریانات همسو با خود طی این مطالب اتهاماتی را علیه جبهه پایداری انقلاب اسلامی منتشر کرد که نکات ذیل در این خصوص مرقوم می‌گردد.

جبهه پایداری فراتر از حزب سیاسی، یک گفتمان است

متأسفانه روزنامه شرق در عملی که مصداق بارز نسبت‌دادن کردار خود به دیگران است، یک رسانه مستقل انقلابی را به اجرای سیاست‌های دیکته‌ای دیگران متهم می‌کند!

این مسئله نشان می‌دهد که این روزنامه به مانند دیگر رسانه‌ها و جریان‌های همسو یا خود هیچ اطلاعی از مناسبات جریان انقلاب ندارد یا دست‌کم تلاش می‌کند تا مردم چنین برداشتی داشته باشند. اما واقعیت این است که در جبهه انقلاب فارغ از هر نکته‌ای، آرمان‌ها و اهداف یکسانی وجود دارد که همه اعضای این جبهه تلاش می‌کنند با سرلوحه قراردادن منویات رهبر معظم انقلاب به صورت آتش به اختیار از مسیری مطمئن ولو متفاوت به آنها دست پیدا کنند. در جبهه انقلاب خبری از عالیجناب‌های رنگین‌پوش نیست که تلاش کنند پادشاه این جریان باشند و نظراتشان را به دیگران دیکته کنند. نکته حائز اهمیت بعدی که روزنامه شرق و جریان حامی‌اش از آن غافل هستند ارزش قلم برای جبهه انقلاب است. قلم تا جایی ارزش دارد که خداوند متعال در قرآن کریم به آن قسم می‌خورد و جریان انقلاب حاضر به شکستن حرمت این گوهر الهی نیست. رسانه‌های جریان انقلاب شاید در بیان مسائل خود از زبان‌های مختلفی استفاده کنند اما به‌طور قطع همه آنها پیرو گفتمان امامین انقلاب هستند که آنها نیز همواره تأکید بر استکبارستیزی داشتند. بر اساس این موارد جبهه پایداری تمام رسانه‌های انقلابی را نزدیک به خود می‌داند و تا زمانی که مروج گفتمان انقلاب باشند به حمایت از آنها خواهد پرداخت، اما این به معنای خدشه واردکردن به استقلال رسانه‌ها نیست، آنها مجاز به بیان نقطه‌نظرات خود در چارچوب قوانین اسلامی هستند، لذا صراحتا اعلام می‌دارد که رسانه انقلابی رجانیوز در هیچ مقطعی ارگان رسمی یا غیررسمی جبهه پایداری انقلاب اسلامی نبوده است، اما این جبهه همان‌طور که گفته شد مادامی که چارچوب‌های گفتمانی امامین انقلاب سرلوحه کار هر رسانه‌ای باشد، آن رسانه را به خود نزدیک می‌داند و اگر مواردی هم احیانا خلاف گفتمان عمل کند نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد. بنابراین ادعای «شرق» مبنی بر اعمال سلیقه جبهه پایداری در انتشار محتوای یک رسانه انقلابی به دور از اخلاق حرفه‌ای و اسلامی است.

خود گویی و خود خندی، عجب مرد هنرمندی!

روزنامه شرق در ادامه مطلب خود از هزینه مبلغ ۴۵۰ میلیون تومان برای فعالیت سیاسی جبهه توسط دبی رکل محترم آن سخن به میان می‌آورد و برای تضعیف جبهه پایداری به فتوای دو تن از مراجع عظام تقلید در حرمت هزینه وجوه شرعی برای فعالیت سیاسی اشاره می‌کند که مصداق تحریف واقعیت توسط این رسانه است. درست مانند استفاده از تیتر چند سال قبل «امضای کری تضمین است» که منجر به مختل‌شدن دستگاه محاسباتی مردم و تحریف برجامی که جز خسارت محض عایدی برای مردم نداشت.

متأسفانه این شیوه غیراخلاقی در بین برخی رسانه‌های جریان موسوم به اصلاحات و اعتدال متداول شده است. در این روش یک مهره تأثیرگذار از جریان همسو با خط تحریف، اتهامی را متوجه جریان مقابل خود می‌کند و بعد از آن با اتکا به همان اتهام ساختگی، بارها عملیات تخریبی رسانه‌ای ساماندهی می‌شود.

اتهام هزینه خمس ۴۵۰ میلیونی دبیر کل جبهه پایداری برای برنامه‌های سیاسی، با همین شگرد رسانه‌ای صورت گرفته است. جهت استحضار ملت شریف ایران خاطرنشان می‌دارد که منشأ طرح چنین ادعایی به مناظرات سال‌های گذشته دو چهره انقلابی برمی‌گردد که یکی از حضار در آن برنامه صرفا به پرداخت خمس دبیر کل محترم جبهه به حساب دفتر رهبر معظم انقلاب اشاره می‌کند و نه هزینه‌کرد آن در موضوع انتخابات؛ اما روز بعد آقای علی مطهری یکی از چهره‌های سیاسی نزدیک به روزنامه شرق در یک مناظره دیگر در ادعایی کذب و مضحک از هزینه این مبلغ برای انتخابات صحبت می‌کند و سند اظهارات دروغش را به مناظره قبلی ذکرشده ارجاع می‌دهد. این اتهام دروغ در حالی است که پرواضح است اگر وجهی به عنوان خمس به حساب یکی از مراجع محترم تقلید پرداخت شده باشد عملا از یَد پرداخت‌کننده خارج شده، فلذا شائبه استفاده از مبلغ خمس برای اغراض سیاسی کاملا باطل است و مطرح‌کردن مکرر چنین ادعای کذبی، افترا و توهینی دیگر از سوی روزنامه شرق به ساحت مرجعیت محسوب می‌گردد که مستلزم جبران از سوی آن رسانه و چهره سیاسی مذکور می‌باشد. هزینه‌های سیاسی جبهه پایداری به قدری شفاف بوده که هرگز ابایی از بیان منشأ آن نداشته است، اما به روزنامه شرق توصیه می‌کنیم اکنون که نگران منشأ هزینه‌های جریان‌های سیاسی است، گزارشی تحقیقی از منشأ وثیقه چندهزارمیلیاردی که برای برادر رئیس‌جمهور سابق جهت رهایی از زندان تأمین شد، یا ثروت افسانه‌ای وزرای دولت تدبیر و امید تهیه و منتشر کند تا شائبه سیاسی‌کاری توسط این رسانه در اذهان عمومی قوت نگیرد.

حمایت از مراجع یا جاه‌طلبی سیاسی اصلاح‌طلبان

روزنامه شرق در حالی جبهه پایداری را متهم به رفتار دوگانه در حمایت از مراجع می‌کند که بررسی روند فعالیت این رسانه و جریانات همسو با آن نشان می‌دهد که برخلاف ادعایی که مطرح می‌کند، سخن و عمل روزنامه شرق همخوانی ندارد. برای مثال بارها این رسانه به تحریف و تقطیع سخنان بزرگان نظام دست زده است یا در حالی که رهبر انقلاب برجام نافرجام را خسارت محض خواندند و از طرفی ایالات متحده نیز حاضر نیست تا تضمین دهد که رفتار دونالد ترامپ را تکرار نکند همچنان به بزک‌کردن چهره غرب می‌پردازد. در حالی که محتمل‌ترین انگاره از تحلیل رفتارهای غرب، تلاش برای ورود بی‌قیدوشرط آمریکا به این توافق است تا بعد از آن مکانیسم ماشه را فعال کند، اما روزنامه شرق و جریان همسو با آن بدون ارائه هیچ توضیحی درباره دستاوردهای هشت سال دیپلماسی منفعلانه جریان اصلاحات و اعتدال همچنان تلاش دارند که تنها راه نجات کشور را تسلیم‌شدن در برابر شیطان بزرگ نشان دهد. جای سؤال دارد که چطور در حالی که خون شهدای بزرگی همچون سلیمانی و فخری‌زاده از دست سردمداران کاخ سفید می‌چکد، منافع ایران تهدید می‌شود، نهادهای ایرانی در آستانه دور جدید مذاکرات مورد تحریم قرار می‌گیرند و رژیم صهیونیستی برای عملیات هزار چاقو مجوز دریافت می‌کند، روزنامه شرق و رسانه‌های همسو تمام اهتمام خود را به خرج می‌دهند تا همچون هشت سال گذشته مذاکره برای مذاکره، بدون دریافت هیچ تضمین مناسبی از طرف‌های بدعهد آمریکایی و اروپایی با چوب حراج‌زدن به منافع ملت ایران در جریان باشد و این در حالی است که گفتمان انقلابی همواره حفظ استقلال و عزت ملی را سرلوحه خود قرار داده و ساده‌لوحانه امضاها، لبخندها و دست‌های چدنی مخفی‌شده در دستکش‌های مخملین را تضمینی برای حفظ منافع ملت ایران نمی‌داند.

رفتار روزنامه شرق و برخی رسانه‌های همسو با آن نشان می‌دهد که بیش از شخصیت والای آیت‌الله صافی‌گلپایگانی، فرصت به‌دست‌آمده جهت تخریب نیروهای انقلابی اهمیت دارد. اگر جریان اعتدال و اصلاحات در رفتار خود صادق بود، در مقاطع لازم از مراجع معظم تقلید حمایت می‌کرد. این جریان در صورت اعتقاد راستین به جایگاه مراجع و علمای ربانی نباید مقابل توهین‌های گاه‌وبی‌گاه به بزرگانی مانند آیت‌الله بهجت و علامه مصباح‌یزدی و غیره سکوت می‌کرد. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که جبهه پایداری همواره نسبت به رعایت شأن علمای ربانی حساس بوده و در این مورد تفاوتی بین آنها قائل نیست، البته گفت‌وگوی محترمانه و مباحثه فقهی و اسلامی مسئله دیگری است که نه فقط مانع حفظ احترام نیست، بلکه موجب پویایی فقه شیعه نیز خواهد شد اما به نظر می‌رسد روزنامه شرق با درج چنین مطالبی صرفا به دنبال بهره‌برداری سیاسی از سخنان بزرگان است. به یاد نداریم این رسانه هیچ‌گاه نگرانی علما و آیات عظام از وادادگی مقابل مستکبران را بازتاب داده باشد. به‌خصوص درباره نارضایتی این بزرگان از عملکرد منفعلانه دولت قبل نشانه‌ای است از اینکه رعایت اصول حرفه‌ای اطلاع‌رسانی در این رسانه وجود ندارد!

وعده‌های انتخاباتی اعتدال و اصلاحات که انقلابی‌ها عمل کردند!

دیگر مطلب خلاف واقع روزنامه شرق در گزارشات خود، انتقاد از عملکرد دولت نهم و دهم در مواجهه با نظرات مراجع معظم درباره مسائلی مانند منع ورود بانوان به ورزشگاه‌ها و تک‌جنسیتی‌کردن دانشگاه‌ها، همین‌طور نسبت‌دادن عملکرد این دولت‌ها به جبهه پایداری است.

متأسفانه جریان اصلاحات و اعتدال با میدان‌داری رسانه‌هایی مانند «شرق» سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته‌اند با وجود اینکه در دوره‌های اخیر انتخابات ریاست‌جمهوری نامزدهای مورد حمایت آنها با طرح کلیدواژه‌هایی مانند «پیامک وحشت»، «دیوارکشی میانه پیاده‌رو» و «ورود زنان به ورزشگاه» سعی کردند تا نظر مردم را جلب کنند، این رسانه با مغتنم‌شمردن فرصت، جهت تخریب جبهه انقلاب به حضور زنان در ورزشگاه و تسهیل این امر توسط دولت نهم و دهم متوسل می‌شود. جای تأسف دارد که این جریان حساب ویژه‌ای روی فراموش‌شدن حقایق در گذر زمان باز کرده است و علی‌رغم اینکه زمان کوتاهی از طرح وعده‌های پوپولیستی افزایش امتیازات زنان برای حضور در جامعه توسط نامزدهای مورد حمایت آنها در انتخابات می‌گذرد، به تخریب جبهه انقلاب و تفرقه‌افکنی می‌پردازد. جالب‌تر اینکه مجلس انقلابی یازدهم اخیرا طرح حضور بانوان در ورزشگاه را اعلام وصول کرده است تا بار دیگر نیروهای انقلاب در عمل پیگیر وعده‌هایی باشند که سال‌ها جریان اصلاحات و اعتدال صرفا با طرح آنها به کاسبی سیاسی در کشور پرداخته است.

جبهه واحد انقلاب کابوس غرب‌گرایان

مسئله بعدی تلاش واضح این رسانه برای ایجاد تفرقه بین طیف‌های مختلف اصولگرایی و انقلابی به بهانه اختلاف نظرهای موردی است. بعد از اتفاقات اخیر به وضوح شاهد تلاش روزنامه شرق برای القای افتراق بین اعضای جبهه انقلاب بودیم. حال آنکه جبهه انقلاب تحت لوای رهبری معظم انقلاب و منویات ایشان یکپارچه و متحد عمل خواهد کرد.

حمایت از گفتمان اصیل انقلابی

نکته آخر اینکه روزنامه شرق در گزارش‌های خود از اختلاف جبهه پایداری با دولت نهم و دهم یاد کرده است تا جنین القا کند که این جبهه با کسی سر سازگاری ندارد. اما واقعیت این است که جبهه پایداری با تمام ظرفیت خود از نیروهایی که وفادار به آرمان‌های امامین انقلاب باشند حمایت خواهد کرد، ولی اگر انحرافی از راه انقلاب در آنها دیده شود، بدون واهمه و تعصبات حزبی نسبت به عواقب آن هشدار می‌دهد و با آن مبارزه می‌کند که این روش بر خلاف رویه روزنامه شرق و رسانه‌های همسو با آن است که علی‌رغم عملکرد فاجعه‌بار دولت گذشته سعی در تطهیر انحرافات آن دارند و بخش بزرگی از توان خود را صرف بازتولید کاریزمای رئیس و مدیران دولت قبل می‌کند. این روزنامه حتی از ایجاد تشکیک در احکام قضائی مدیران اقتصادی فاسد دولت گذشته که اخیرا اعلام شد نیز ابایی ندارد!

در آخر امیدواریم تمام رسانه‌ها ضمن رعایت عدالت و اخلاق رسانه‌ای صرفا برای از میدان به‌درکردن جریان رقیب با بلندگوهای خارج‌نشین هم‌صدا نشوند و انسجام کشور را تضعیف نکنند. به امید اینکه تقوا و عدالت در گفتار و کردار سرلوحه عملکرد همه ما باشد.

محمود صادقی به «شرق» گفت

ترجیح ائتلاف‌های مدنی بر ائتلاف‌های انتخاباتی

ممکن است نوعی ائتلاف مدنی و نه انتخاباتی میان نیروهای سیاسی که طعم رد صلاحیت را چشیده‌اند، برای اصلاح نظام انتخابات ایجاد شود

مهرشاد ایمانی

به‌تازگی گفت‌وگویی از محمود صادقی، دبیرکل انجمن اسلامی دانشگاه‌ها، از اعضای جبهه اصلاحات ایران و نماینده پیشین مجلس، منتشر شد که او در آن گفت‌وگو از احتمال ائتلاف میان نیروهای اصلاح‌طلب، راست‌های میانه و ملی‌مذهبی‌ها سخن گفته بود که این سخن استمرار ائتلاف‌های پیشین اصلاح‌طلبان را که در بلندمدت ناکام ماند، به ذهن متبادر کرد. به‌همین‌دلیل در روز نهم آبان «شرق» در مطلبی ضمن انتقاد از سیاست‌های پیشین ائتلافی و ذکر دلایل شکست آنها این نکته را یادآور شد که ممکن است ادامه چنین ائتلاف‌هایی با رغبت مردم مواجه نشود. از سوی دیگر ائتلاف سیاسی و انتخاباتی به‌ویژه میان راست‌های میانه و نیروهای ملی‌مذهبی محال به نظر می‌رسد؛ زیرا این دو طیف همچنان زاویه‌های جدی با یکدیگر دارند.حالا محمود صادقی می‌گوید که سخنان مصاحبه منتشرشده در یکی از خبرگزاری‌ها -که مورد استناد «شرق» برای انتشار مطلبی با عنوان «ائتلاف اصلاح‌طلبان و ملی‌مذهبی‌ها؟» شد- به صورت تقطیع‌شده منتشر شده و دیدگاه من برخلاف آنچه در آن خبرگزاری بازتاب داده شده است، ائتلاف انتخاباتی میان نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب نیست؛ بلکه من از ائتلافی میان همه نیروهای رانده‌شده از انتخابات برای فعالیت‌های مدنی سخن گفته‌ام. صادقی درباره موضع دقیق خود به «شرق» می‌گوید: «این‌جانب گفت‌وگویی با یکی از خبرگزاری‌ها انجام دادم که متن آن به‌صورت تقطیع‌شده منتشر شد و بازتاب‌های بسیاری داشت. فردای انتشار آن مصاحبه، شما نیز در روزنامه «شرق» مطلبی نوشتید و به انتقاد از مواضع من پرداختید. مطلب شما هم بازتاب‌های بسیاری داشت و رسانه‌های مختلفی آن را پوشش دادند. نکته جالب آنکه رسانه‌های جناح اصولگرا مانند روزنامه جوان یا سایت مشرق با استناد به مطلب «شرق» به مواضع من انتقاد کردند؛ درصورتی‌که من در آن مصاحبه -که متن کاملش در سایت انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها وجود دارد- گفته بودم که تحلیل شخصی من این است که با توجه به فضای انسداد ایجادشده و حذف گسترده چهره‌های شاخص، شاید این مسئله برای تحرک و ائتلافی فراگیر بین نیروهای به حاشیه رانده‌شده که قائل به حرکت مسالمت‌آمیز و مدنی هستند، از اصولگرایان تا اصلاح‌طلبان تا نیروهای دگراندیش و ملی‌مذهبی، برای مطالبه انتخابات آزاد و رقابتی انگیزه و زمینه‌ای ایجاد کند». او ادامه داد: «همان‌طورکه ملاحظه می‌کنید من از احتمال یا ضرورت ائتلاف‌های انتخاباتی سخن نگفتم و مطرح کردم که طیف‌های رانده‌شده شاید به سمت ائتلاف و هم‌گرایی برای فعالیت مدنی پیش بروند و حتی در میان این نیروهای رانده‌شده از اصولگرایان هم نام بردم؛ زیرا در این دوره اصولگرایان هم مشمول ردصلاحیت‌های گسترده شدند و دیگر دامنه ردصلاحیت محدود به اصلاح‌طلبان نیست. حالا هم می‌گویم که ممکن است نوعی هم‌افزایی میان همه نیروهای سیاسی که طعم رد صلاحیت را چشیده‌اند، ایجاد شود تا همه برای مطالبه انتخابات رقابتی تلاش کنند و این مطالبه یک حرکت مدنی خواهد بود، نه یک کار سیاسی تشکیلاتی برای ارائه لیست یا پیروزی در فلان انتخابات. در حقیقت مطالبه ائتلاف مدنی اصلاح نظام انتخابات است، نه لزوما پیروزی در انتخابات آینده. اتفاقا من باور دارم که باید مطالبات را به بدنه جامعه برد و اکنون ادامه همان ممکن است سیاست‌های ائتلافی با محور لیست‌های انتخاباتی به همان شکل سابق جواب ندهد و شما هم نقدتان در «شرق» به این موضوع بود و از سخنان من ائتلاف‌های انتخاباتی برداشت کرده بودید؛ درصورتی‌که اگر مصاحبه من به صورت تقطیع‌شده منتشر نمی‌شد، چنین برداشتی به وجود نمی‌آمد». این نماینده پیشین مجلس در پایان گفت: «به نظر من در شرایط کنونی دغدغه مشترکی ایجاد شده است تا ائتلافی شکل بگیرد و در آن ائتلاف که به نوعی فعالیت مدنی خواهد بود، برای تحقق انتخابات رقابتی تلاش شود. ما اکنون نیاز به یک جنبش فراگیر برای آزادی رقابتی و اصلاح نظام انتخابات داریم». با توضیحات اخیر محمود صادقی به «شرق» پر واضح است که اتفاقا نظر او مطابق با آن چیزی است که در مطلب «ائتلاف اصلاح‌طلبان و ملی‌مذهبی‌ها؟» آمده بود و مشخص است که ائتلاف یا به تعبیری هم‌گرایی برای فعالیتی مدنی، تفاوتی آشکار با ائتلاف انتخاباتی میان ملی‌مذهبی‌ها، راست‌های میانه و اصلاح‌طلبان دارد؛ زیرا اساسا چنین ائتلافی در مقام اجرا محال به نظر می‌رسد و اساسا مورد قبول جامعه قرار نمی‌گیرد و اکنون با توجه به سخنان اخیر صادقی باید گفت که او نیز قائل به چنین نظری نیست. از سوی دیگر طبیعی است که می‌توان انتظار داشت در مواجهه با مقوله‌ای واحد به نام رد صلاحیت‌ها میان هر نیرویی از اصلاح‌طلب‌ها، راست‌ها و ملی‌مذهبی‌ها تا اصولگرایان ائتلافی نانوشته شکل بگیرد.

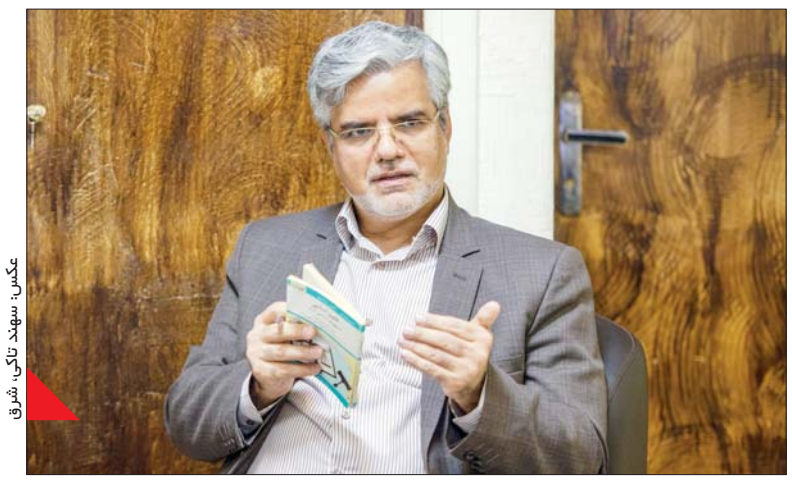

عکس: سپهند تاکی، شرق

گزارش

روایت مقام معظم رهبری از تسخیر سفارت آمریکا منتشر شد

خاطره مشترک آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی از ۱۳ آبان ۵۸

● **شرق:** ۴۲ سال از اشغال سفارت آمریکا در تهران می‌گذرد؛ رویدادی که با نقشه دانشجویان پیرو خط امام (ره) صورت گرفت و بین روابط این دو کشور دیواری بلند کشید. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به مناسبت این واقعه برای نخستین‌بار مصاحبه مقام معظم رهبری با سازمان دانشجویی حزب جمهوری اسلامی را که در آبان سال ۱۳۶۳ انجام گرفته، منتشر کرده که به روایت ایشان از آن روز می‌پردازد.

در این بیانات آمده است: «در هنگامی که اصل حادثه واقع شد، ما در ایران نبودیم. من و آقای هاشمی مکه مشرّف بودیم. ایام حج بود و یادم می‌آید یک شبی روی پشت بام [ساختمان] بعثه در مکه نشسته بودیم یا دراز کشیده بودیم و می‌خواستیم بخوابیم، رادیو را گوش می‌کردیم -[اخبار] ساعت دوازده رادیوی ایران را- که رادیو خبر داد دانشجویان مسلمانِ پیروِ خط امام سفارت آمریکا را تسخیر کردند. این مطلَب خیلی برای ما مهم آمد. البته یک قدری هم بیمناک شدیم که اینها چه کسانی هستند؛ این دانشجویانی که این کار را کرده‌اند، از چه جناحی هستند و چه گروهی هستند؛ چون احتمال داشت که جناح‌های چپ برای استفاده‌های سیاسی خودشان بخواهند یک حرکاتی انجام بدهند و احیانا شعارهای برّاق و جالبی را به خودشان اختصاص بدهند. به‌شدت نگران بودیم، تا اینکه آن اخبارِ ساعتِ دوازدهِ موردِ نظر گفت «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام». به مجرّد اینکه ما اسم مسلمان و پیرو خط امام را شنیدیم، خیالمان راحت شد؛ یعنی فهمیدیم که نه دیگر، چپ‌ها و منافقین و فرصت‌طلب‌ها نیستند؛ [بلکه] یک مشت دانشجوهای خودی و مسلمان هستند که این کار را انجام داده‌اند. تا اینکه ما برگشتیم.

البته ما خیلی زود برگشتیم؛ یعنی سفر حج ما که به اتفاق آقای هاشمی با هم بودیم، کلا ده روز طول کشید؛ از روزی که از تهران حرکت کردیم تا روزی که مجددا وارد تهران شدیم، ده روز شد؛ فقط حج کردیم و برگشتیم؛ دیگر هیچ معطل نشدیم. وقتی که به ایران برگشتیم، با غوغای روزهای اول و کشمکش عظیمی که بود مواجه شدیم: از آن طرف، هیئت دولت موقت به‌شدت ناراحت [بود] که این چه وضعی است، این چه حادثه‌ای است، و از طرف دیگر، مردم در شور و حماسه و مانند اینها، و بالاخره هم به استعفای دولت موقت منجر شد. و ما طبعا مسئله را از دیدگاه آن کسانی می‌دیدیم که به مبارزه با آمریکا به صورت واقعی و حقیقی معتقد هستند؛ لذا بود که ما در داخل شورای انقلاب، از حرکت این بچه‌ها دفاع می‌کردیم.

من همان وقت یک سخنرانی هم در لانه جاسوسی کردم. چون ایام محرّم که شد، بچه‌ها ده دوازده روز روضه‌خوانی راه انداختند و تمام دسته‌جات تهران، سینه‌زنان می‌رفتند آنجا و هر شب آنجا جمع می‌شدند و سینه می‌زدند و مثل یک امامزاده‌ای، مثل یک محل مقدسی، آن اقامتگاهِ دانشجویان را احاطه می‌کردند و سینه‌زنی و روضه‌خوانی [می‌کردند] و هر شب هم یک سخنران آنجا می‌رفت؛ یک شب هم من رفتم آنجا؛ یادم هست که سخنرانیِ خیلی گرم و گیرایی هم شد».

روایت آیت‌الله هاشمی

مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نیز در کتاب «امام خمینی (س) به روایت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی» ماجرا را این‌گونه روایت می‌کند: «در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، من و آیت‌الله خامنه‌ای در مکه بودیم که خبر تصرف سفارت آمریکا را شب‌هنگام، در پشت‌بام محل اقامت‌مان، هنگامی که آماده خواب می‌شدیم، از رادیو شنیدیم، تعجب کردیم؛ زیرا انتظار چنین حادثه‌ای را نداشتیم. روزهای بعد، روزهای انتظار و نگرانی بود؛ تا اینکه به تهران آمدیم و در جریان جزئیات قرار گرفته و مشخص شد که گروهی از دانشجویان معترض بدون اطلاع و هماهنگی با مسئولان، به سفارت حمله کرده‌اند و آن را به اشغال درآورده‌اند. اکنون ما، در مقابل یک عمل انجام‌شده‌ای، قرار گرفته بودیم که امام نیز بعد از رؤیت اسناد و مدارک دخالت‌های آمریکا در اوضاع داخلی ایران، آن را تأیید کرده بودند».

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی همچنین در کتاب «روزها و روزگاران سخت» در جواب این پرسش که «دانشجویان در اعتراض به مذاکرات مهندس بازرگان با آمریکایی‌ها، این کار را کردند. آیا شورای انقلاب از انجام مذاکرات خبر داشت؟» گفته بود: «من می‌دانم که در این قضیه، حداقل ریشه و بهانه این بود که مهندس بازرگان در الجزایر با آمریکایی‌ها مذاکره کرده است؛ اما محتوای همه مذاکره را نمی‌دانم و به ما ندادند. عکس‌العمل تند نسبت به این موضوع بهانه دانشجویان در گرفتن سفارتخانه آمریکا شد و این برای آمریکایی‌ها علامت بسیار بدی بود. اصل مسئله هم برایآنها بسیار سنگین بود؛ یعنی آنها این‌گونه فکر می‌کردند که الان انقلاب ایران به‌گونه‌ای است که دولت‌شان اگر بخواهد با آمریکا حرف بزند، می‌تواند. وقتی این‌طور نشد، این برای آنها معنی بزرگ‌تری داشت.

ادامه در صفحه ۳